



آیت الله مظاهری: اگر امام حسین(ع) نبود، بنی‌امیه شیعه را نابود و ریشه‌کن کرده بود

آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: اگر امام حسین(ع) نبود، بنی‌امیه شیعه را نابود و ریشه‌کن کرده بود.

آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: اگر امام حسین(ع) نبود، بنی‌امیه شیعه را نابود و ریشه‌کن کرده بود.

به گزارش خبرگزاری مهر؛ متن سخنان درس اخلاق این هفته آیت الله مظاهری برای علاقه‌مندان در پی می‌آید؛

این دهه محرم، دهه عزاداری است و شیعه زنده به همین عزاداری‌هاست، و باید تا می‌توانیم به این عزاداری‌ها اهمیت دهیم. جلسه روضه داشته باشیم و در جلسه روضه شرکت کنیم و جمعیت بالا باشد و گریه و زاری‌ها فراوان باشد و بالاخره جلسه عزا باشد. این دهه محرم باید در خانه‌مان شادی نباشد و غم و غصه کربلا در دل همه جایگزین باشد و همه جا، چه خانه و چه بازار، عزادار باشد.

چیزی که باید توجه کنید و الحمدلله شیعه به آن توجه دارد، این است که بقای تشیع به این عزاداری‌هاست. اگر شهادت امام حسین(ع) نبود، بنی‌امیه شیعه را نابود و ریشه‌کن کرده بود و شهادت امام حسین(ع) موجب شد این شجره طیبه قرآن باقی باشد و تشیع جا بیفتد. تشیع ضعیف شده بود، به اندازه‌ای که امام حسین(ع) فرمودند اگر قیام نکنم و اگر این شهادت واقع نشود، تشیع نابود خواهد شد: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ» [۱]؛ لذا امام حسین(ع) از مدینه حرکت کردند و با یک جمله تهدیدآمیزی به محمد بن حنفیه فرمودند: «مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَمَنْ قِيلَهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ لِحَقِّ بِي اسْتَشْهَدَ وَمَنْ لَمْ يَلْحَقْ بِي لَمْ يُدْرِكِ الْقَتْحَ» [۲]؛ برادرم ما رفتیم و برای شهادت هم رفتیم، هرکه با ما بیاید، رستگار و عاقبت‌به‌خیر می‌شود و هرکه با ما نیاید، عاقبت‌به‌خیر نخواهد شد.

بالاخره به مکه آمدند و چند ماهی در مکه ماندند، برای اینکه مردم را مهیا کنند. در آن چند ماه در خانه خدا نماز می‌خواندند و منبر می‌رفتند. منبرها بوی شهادت می‌داد. مضمون منبرها این بود که اسلام در مخاطره است. مرادشان هم از اسلام همان اسلام پیامبر، یعنی اسلام متشکل از قرآن و اهل‌بیت(ع) و توأم با یکدیگر بود. مرادشان از اسلام، اسلام قرآنی یعنی اهل‌بیت با قرآن و قرآن با اهل‌بیت بود. بارها در خطبه‌ها و منبرها می‌فرمودند: «وَأَيُّ لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُقْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَيُّ عَلِيٍّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» [۳]

من نمی‌خواهم شورش کنم و اگر از مدینه به مکه آمده‌ام، برای این نیست که بحران ایجاد کنم. مصداق امر به معروف و نهی از منکر شده است و من آمده‌ام به این مصداق عمل کنم. اسلام عزیز، سیره پیغمبر(ص) و سیره امیرالمؤمنین(ع) در مخاطره است و قیام کردم برای اینکه این خطر را رفع کنم و این دین را حفظ کنم و بالاخره در آخر کار:

«ان کان دین محمد لم یستقم

الا بقتلی یا سیوف خذینی» [۴]

اگر دین اسلام متوقف بر شهادت امام حسین(ع) باشد، معلوم است که امام حسین «سلام‌الله‌علیه» این شهادت را به جان می‌خرد. لذا پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» فرموده بودند و همه اصحاب می‌دانستند و امیرالمؤمنین(ع) بارها فرموده بودند و برایش گریه کرده بودند و در میان تشیع یک امر مسلم بود که اسلام در مخاطره عجیبی واقع می‌شود و نجات این اسلام، مرهون شهادت امام حسین «سلام‌الله‌علیه» است، لذا امام حسین قیام می‌کند و شجره طیبه قرآن را آبیاری می‌کند.

امام حسین(ع) به کربلا آمدند و آنچه وظیفه بود انجام دادند. اگر به این اندازه، قضایای کربلا تمام شده بود، بنی‌امیه این کار امام حسین(ع) را نیز نابود می‌کردند. آنها جنایت را تقصیر ابن‌زیاد می‌گذاشتند و بعد هم عزاداری‌ها برای امام حسین می‌کردند، چنان‌که یزید هم این کار را در شام کرد. اما این شهادت، چیز دیگری لازم دارد و آن اسارت عیال و گسترش پیام آن است. اگر اسارت نبود، آن خون نابود می‌شد و آن شهادت نمی‌توانست تأثیر کند، لذا علت بعد علت می‌خواست که به آن «علت مبقیه» می‌گویند؛ یعنی اسارت عیال. قضایای اسارت به اندازه‌ای کار کرد که باعث شد به حسب ظاهر، یزید، شال عزا به گردن بیندازد و هفت روز عزاداری در شام کند و سپس با تشریفات خاصی اهل‌بیت(ع) را به مدینه بفرستد. لذا این علت مبقیه، یعنی

اسارت بعد از شهادت، اگر نبود، اسلام عزیز نابود شده بود و بنی‌امیه تشیع و اسلام را نابود می‌کردند.

بعد از آن نیز باید این علت مبقیه ادامه یابد که ادامه علت دوّم، همان عزاداری‌هاست. پیغمبر اکرم(ص) و ائمه طاهریّن(ع) به این عزاداری‌ها خیلی اهمیت می‌دادند و حتی روی آن سفارش می‌کردند. [۵] حتی همه شنیده‌اید که در روایات فرموده‌اند:

«مَنْ بَكَى أَوْ أَبْكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ» [۶]

همه شنیده‌اید که پیغمبر اکرم(ع) امام حسین(ع) را می‌بوسیدند و می‌فرمودند در کربلا او را شهید می‌کنند و آنکه برای حسین عزاداری کند، حق به من پیدا می‌کند. بعد هم ائمه طاهریّن(ع) روی این شهادت خیلی پافشاری داشتند و دوش به دوش پافشاری ائمه طاهریّن(ع)، بنی‌امیه پافشاری داشتند که این عزاداری نباشد. امام سجاد(ع) خودشان در این سی ساله روضه‌خوان سیار شده بودند. در راه می‌رفتند و آبی می‌دیدند، گریه می‌کردند و روضه می‌خواندند. سرگوسفند می‌دیدند، گریه می‌کردند و روضه می‌خواندند. در مجالس تناسبی جلو می‌آوردند و روضه می‌خواندند و گریه می‌کردند. [۷] بعد نیز همه ائمه طاهریّن، مثل امام باقر و امام صادق «سلام‌الله‌علیهما» چنین بودند. حتی راوی می‌گوید اول دهه محرم رفته خدمت حضرت رضا(ع) و دیدم سرتاپای آقا غصه‌دار است و فرمودند این دهه، دهه گفت و گو و شادی و خنده نیست. این دهه عزاداری است و بعد فرمودند هرکسی در این دهه محرم عزاداری ما را بکند، به ما حق پیدا می‌کند و در قیامت با ما خواهد بود. [۸] در بعضی از روایات هم آمده جدم فاطمه در روز قیامت شفاعتش را می‌کند. همه ائمه طاهریّن همین‌طور بودند، در حالی که خفقان بود و جلوگیری می‌کردند و حتی در تاریخ می‌خوانیم جلسه روضه در خانه امام صادق(ع) بود و صدای گریه بلند شد و مأموران حکومت در خانه ریختند و مستخدم به در خانه رفت و گفت مریضی داریم. آنها جدی می‌گرفتند، اما ائمه طاهریّن(ع) نیز جدی می‌گرفتند.

امام صادق هرگاه مداحی پیدا می‌کردند فوراً جلسه می‌گرفتند. زن‌ها آن طرف پرده و مردها این طرف پرده و مداح سوزناک می‌خواند و آقا بلند گریه می‌کردند. وقتی مداح می‌خواست تمام کند، آقا امام صادق التماس می‌کردند و می‌فرمودند «زُدّی، مقداری دیگر بخوان». [۹]

همه آن‌ها چنین بودند و این شهادت را زنده نگاه داشتند. ثواب بالایی برای این شهادت مترتب می‌کردند.

فضیل بن یسار می‌گوید: خدمت امام صادق رفتم. آقا امام صادق(ع) فرمودند: این‌گونه مجالس را دوست دارم، ای فضیل! امر ما را زنده کنی؛ خدا رحمت کند کسی که امر ما را زنده کند. ای فضیل! هر کسی نام ما را ببرد یا نام ما نزد او برده شود و به قدر بال مگس اشک از چشمش خارج شود، خدا گناهان او را می‌آمرزد. [۱۰]

نظیر این روایت فراوان است. تأکید خیلی بالا هست در اینکه روضه بخوانید. اگر آب می‌خورید به یاد امام حسین بگویید یا حسین. اگر اسم حسین آمد، متلاطم شو و گریه کن برای حسین. همه ائمه طاهریّن(ع) و حتی آقا امام زمان. زیارت ناحیه که زیارت عجیبی است و خیلی مفصل است. آقا امام زمان می‌فرمایند: یا جدّاه من فراموش نمی‌کنم و خون گریه می‌کنم و بعد هم مصایب را یکی پس از دیگری نقل می‌کنند و بلند بلند گریه می‌کنند. [۱۱] علتش همین است که این عزاداری‌ها علت بعد برای بقای اسلام است. شهادت و بعد از آن اسارت و بعد هم عزاداری است. لذا اگر این عزاداری‌ها نبود، حتماً تشیع نابود می‌شد. ظلم‌های بنی‌امیه و بنی‌العباس بود و خیلی به شیعه ظلم شد و کشت و کشتار شد که شیعه را نابود کنند، اما نشد. یکی از آنها حجاج است. در کوچه می‌رفت و هیکل قوی داشت. کسی پرسید این کیست و خودش برگشت و گفت من کسی هستم که صد و بیست هزار نفر را به جرم شیعه‌گری کشتم. اما نشد و نتوانستند تشیع را نابود کنند و همه می‌گویند در اثر همین عزاداری امام حسین(ع) است.

شهادت امام حسین(ع)، علت موجب و اسارت عیال و مخصوصاً زینب مظلومه، علت مبقیه و بعد از آن دوش به دوش همین اسارت و شهادت، این عزاداری‌ها و گریه‌هاست. خیلی باید به این عزاداری‌ها اهمیت دهیم. همیشه دشمن در وقتی که غلبه پیدا می‌کرد، این عزاداری‌ها را موقوف می‌کرد. مثلاً رضاشاه، در وقتی انگلیس‌ها او را روی کار آورده بودند، به او دستور داده بودند که آزادی و هرکاری که می‌خواهی بکن و ما از تو پشتیبانی می‌کنیم. اما باید یک کار بکنی و آن اینکه عزاداری نباشد. حتی می‌گفتند مسجد باشد، اما آخوند نباشد. این عمامه مزاحم ماست و این روضه‌ها مزاحم ماست. لذا رضاشاه هم خیلی جدیت کرد. جلوی روضه‌ها را حتی در دهات کم جمعیت هم می‌گرفت.

امنیه‌ها به آنجا می‌رفتند و اجازه نمی‌دادند در دهه محرم روضه بخوانند. البته این را هم بدانید که همان افراد، دهه محرم را زنده نگاه می‌داشتند. هرطور که می‌شد، ولو در خانه و در بسته و تاریک، اما حسین حسین و گریه و زاری آنها، مخصوصاً شب عاشورا در هر دهی و در هر شهری بلند بود. بالاخره خیلی کار کردند تا به ما رسید و ما باید از گذشته‌ها تشکر کنیم و خودمان

این عزاداری‌ها را زنده بداریم. العیاذبالله اگر این عزاداری‌ها ضعیف شود، بلا می‌آید. اهل دلی گفته بود قبل از محرم دیدم آتشی آمد و از کوه صفه رد شد و بنا بود این آتش اصفهان را بسوزاند. اما دهه محرم آمد و آتش را خاموش کرد. قطعاً چنین است، لذا از همه شما تقاضا دارم اگر عاقبت به خیری می‌خواهید، این روضه‌ها و عزاداری‌ها را زنده نگاه دارید. مخصوصاً به آن طریزی که در منازل مراجع و در منزل مقام معظم رهبری است که منبری روضه و نوحه می‌خواند و زن و مرد گریه می‌کنند و اختلاط بین زن و مرد نیست و زن‌ها پشت پرده هستند و مردها عزادارند و بالاخره گناه نیست، بلکه گریه و زاری فراوان است. این دهه محرم می‌تواند آتش و بلا را خاموش کند. بسیاری از دردها را سراغ داریم که این عزاداری‌ها از بین برده است.

مرحوم آقای دستغیب «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» کتابی درباره همین عزاداری‌ها نوشته است. در این کتاب قصه‌ای نقل می‌کند و می‌گوید یکی از رفقای من گفت حصبه آمد و زن و بچه من در گما رفتند و من ناامید شدم. لذا همسایه ما در اول اذان صبح روضه داشت. من در این روضه شرکت کردم و توسل به امام حسین(ع) و حضرت زهرا(ع) پیدا کردم و گریه و زاری کردم برای اینکه زن و بچه من خوب شوند. مرحوم آقای دستغیب می‌فرمودند: رفیق ما می‌گفت: وقتی به خانه آمدم، دیدم زن و بچه سالم هستند و صبحانه می‌خورند. دخترم نقل کرد و گفت: حضرت زهرا آمدند و پنج تن آل عبا آمدند و سیاه پوش بودند. نشستند و حضرت زهرا(ع) به امام حسین(ع) گفتند بلند شو و دست بکش روی سر اینها تا خوب شوند. امام حسین(ع) دست کشیدند روی سر ما و خوب شدیم، اما روی سر مادرم دست نکشیدند. حضرت زهرا(ع) به امام حسین(ع) گفتند: عزیزم دستی هم روی سر این زن بکش. فرمود: مادرم این نماز نمی‌خواند و من دست روی سرش نمی‌کشم. حضرت زهرا فرمودند: شوهرش توسل به من پیدا کرده است. آنگاه دستی هم روی سر مادرم کشیدند و خوب شد.

خدا رحمت کند آباء و اجداد ما را که این عزاداری‌ها را به ارث به ما رساندند و ما باید این امانت را به نسل آینده دهیم و مواظب باشیم یک دفعه گناه در آن پیدا نشود. مواظب باشیم این عزاداری‌ها آلوده نشود. مواظب باشیم ناگهان خوددرآوری در این عزاداری‌ها پیدا نشود. در این عزاداری‌ها گریه و زاری باشد و مخصوصاً خانم‌ها بلند بلند گریه کنند و جلسه، جلسه عزا شود و جمعیت هم خوب باشد.

در زمان ما یادم هست که جمعیت خیلی عالی بود. از صبح تا ظهر یا از اول شب تا ساعت ۱۲ بود و شام و امثال اینها هم نبود. منبری منبر می‌رفت و روضه می‌خواند و موعظه می‌کرد و جلسه پر بود و خالی می‌شد و دوباره پر می‌شد تا ظهر. اما الان این جمعیت کم شده و این خیلی خطرناک است.

مرحوم محدث قمی در مفاتیح نقل می‌کند: شاعری ارجوزه و شعری در مدح اهل بیت(ع) و در مصیبت اهل بیت(ع) گفته است و مرحوم صاحب جواهر می‌فرمایند من حاضر ثواب جواهر را به او دهم و او ثواب ارجوزه را به من دهد. کسی که یک عمر فقه نوشته و پایه‌گذار فقه سنتی و فقه جواهری است، اما می‌گوید: حاضر آن را به یک جلسه دهم. این جلسات خیلی ثواب دارد و خیلی بلاها را رفع می‌کند و خیلی برکات دارد. اما دشمن می‌خواهد لاًقل آن را ضعیف کند یا لاًقل در آن گناه بیاورد و اختلاط زن و مرد شود. دشمن می‌خواهد لاًقل خرافات در آن زیاد شود. دشمن می‌داند که نمی‌تواند این عزاداری‌ها را نابود کند، اما می‌تواند تضعیف کند، لذا دشمن خیلی کار می‌کند که این عزاداری‌ها را تضعیف کند و کم جمعیت کند. مثنی خرافات در آن ایجاد کند و گناه در آن ایجاد کند و اختلاط زن و مرد پیدا شود و گناه در آن پیدا شود و اگر گناه آمد، معلوم است که حضرت زهرا(ع) در آن جلسه شرکت نمی‌کنند.

امیدوارم ان شاء الله خود حضرت زهرا(ع) نظر لطفی کنند و این دهه محرم، دهه پربرکتی برای همه و برای رفع این گرفتاری‌ها باشد. این گرفتاری‌ها چیزی نیست که یک دولت و یک دسته بتوانند آن را اصلاح کنند، اما روضه‌ها می‌تواند اصلاح کند با خرق عادت و معجزه. ان شاء الله همه پشت به پشت یکدیگر کنیم و این گرفتاری‌هایی که برای مردم است و کمرشکن است، رفع شود.

پانوشتها؛

[۱]. اللهوف، ص ۲۴.

[۲]. کامل الزیارات، ص ۷۵.

[۳]. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

[۴] . این بیت شعر، زبان حال امام حسین(ع) است که شاعر عرب، کربلایی شیخ محسن ابو الحب (متوفی ۱۳۰۵ ق) در قصیده‌ای بلند سروده است.

[۵] . ر. ک: اندیشه‌های ناب، دفتر سوّم: فضائل و قیام امام حسین «علیه‌السلام»، ص ۱۱۶ تا ۱۲۷.

[۶] . اللهوف، ص ۱۱.

[۷] . ر. ک: کامل الزیارات، ص ۱۰۷؛ مثير الاحزان، ص ۱۱۵.

[۸] . عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۹.

[۹] . کامل الزیارات، ص ۱۰۵.

[۱۰] . قرب الاسناد، ص ۳۶

[۱۱] . المزار الكبير (ابن‌مشهدی)، ص ۵۰۱: «وَلَأُبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمَا»